

### این بازمانده گان دیگر چی میخوانند؟

مدت زمانیست که تعدادی از بازمانده گان ح. د. خ. ا، (سابق اعضای بیروی سیاسی و یا کمیته مرکزی ح. د. خ. ا) تحت نامهای مختلف و ایجاد سازمانهای مختلف یکی راست و یکی بیطرف و یکی دموکرات و یکی هم راست افراطی و دیگری اسلامگرای طرفدار غرب، دوباره زیر چتر دالر ناتو و کلداری اس آی به فعالیت آغاز کرده اند و تعدادی از آنها نیز در کرسیهای دولتی تحت فرمان امریکا - ناتو تکیه زده اند و زیر بیرق آنها برای شگوفانی کشور ما میروند! و میگویند که ما چپ و چپها را نابود کردیم، ما آنها را هستیم که دولت نجیب را سقوط دادیم و زمینه را برای حمله قوای ناتو آماده ساختیم! هموطنان خویش را آواره ساختیم، وطن را به خون شانددیم، زمینه فعالیتهای سی آی ا و آی اس آی را فراهم ساختیم و جامعه افغان را محو و نابود کردیم!

هر روز یک عمل انتحاری مسلمانان افراطی و عملیات ناتو است، که هر دو، تا حد توان و امکان خویش مردم بی کس و کوی ما را میکشند!

با کمال تاسف، تقریباً در راس اکثریت این سازمانها (آنها را که از یادآوری نام چپ ننگ و عار دارند)، همین رهبران (رهبران پشت پرده به گفته بی محترم هدایت حبیب که (ایشان هم پس از برکناری از پست مسؤل سازمان در استهکلم سویدن)، علیه حزبش قرار گرفت) در خفا قرار دارند. چنانچه در کودتای ۱۹۹۱ (سقوط حزب و دولت) هم به صورت مستقیم و غیر مستقیم سهم خود را ادا کردند، وطن ما را به خاک و خون کشانیدند که تا به امروز تن خونین وطن را از یکطرف اسلامگرای فروخته شده و از جانب دیگر این جفاکاران به آرمانهای والای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در تفاهم با امریکا و ناتو خونین تر ساخته اند. بنا لازم است تا کمی به عقب برگردیم.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با ایجاد خویش در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی و فعالیتهای خویش بلاخره در سال ۱۳۵۷ گویا انقلاب یا کودتا یا تحول و یا... در اثر فعالیت اعضای حزب یا اشتباه بعضی ها و یا دست خارجیان (شوروی سابق) و یا... به وقوع پیوست.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در آغاز با مشی خیلی انسانی و... خویش و اعضای حزب (سطوح پائینی) با نهایت احساس وطندوستی و از خود گذری در تحقق آرمانهای والا و انسانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به فعالیت آغاز کردند. مردم هم با آنها بودند و با نثار دسته های گل و بوسیدن تانکهای حزبیهای آن زمان (انقلابیون!)، احساسات وطنپرستی و خوشی خویش را به تماشا گذاشتند. اما با کمال تأسف بعدها چی شد؟

- در نواحی حزبی، صرف اعضای سطوح پائینی حزب و اعضای جوان حزب که با رهبری یا اعضای بیروی سیاسی هیچ گونه پیوند قومی و خویشی نداشتند وظیفه اجراء میکردند.

- در جبهه های جنگ - صرف اعضای صادق حزب و جوانان شجاع که باز هم هیچ گونه روابطی با بالائیها و رهبری نداشتند، با درک از واقعتهای اصیل حزب میرزمیدند - جامهای مرگ را نوشیدند. یاد هریک شان گرامی باد.

- در رابطه به زندانی ساختن و اعدامهای مخفیانه، همه اعضای حزب در جریان اند که فکر میکنم یادآوری آنها زخمهای تعدادی از هموطنان ما را تازه خواهد کرد و سبب گفتگوهایی خواهد شد که بهتر است در مورد بحثی نکرد.

- کودتاهایی که در داخل حزب و دولت (کودتاهای سیاسی و نظامی) صورت گرفت و سبب از بین رفتن آبرو و حیثیت سیاسی حزب و اعضای آن گردید که آخرین و بدنامترین همه این بدبختیها و کودتاهای همان کوده تایی سال ۱۹۹۱ بود. که نه تنها باعث سقوط کلی حزب و دولت شد، بلکه سرنوشت هزاران انسان بیگناه کشور ما را نیز به خاک و خون کشانید که تا به امروز نیز ثمره آن را با تجاوز کشورهای ناتو به خاک ما مشاهده میکنیم.

این فشرده سخن بالایی از سرنوشت آن حزب و برخورد تعدادی از جفاکاران با حزب قهرمانان و شهیدان ما بود که نه به وطن و نه به مردم و نه به فامیل خویش رحم کردند و

صرف به خود و امتیازات مادی و معنوی خویش ارزش قایل شدند و در تلاش گرفتن انتقام از نجیب بودند، بود.

حزب و راهی که با خون هزاران جوان به امید آینده های زیبا برای مردم و کشور ما رنگین شده بود، با خیانت تعدادی از رهروان آن حزب با کمال تاسف رفت و نابود شدند. فعالیت دوباره آن حزب (هدف صرف نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان است نه راهی که انتخاب کرده بود!) چون راه حزب دموکراتیک خلق افغانستان واقعا راهی بود که جامعه ما را به سوی جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد و شگوفایی رهنمون میشد!) با آن تصویری که از مبارزه به خاطر بهبود اجتماعی به جا گذاشته است، در شرایط امروز هیچ گونه سازشی ندارد و نخواهد داشت و باز هم به نابودی خود حزب و مردم آن سرزمین خواهد انجامید.

بناء به نظر بنده تلاش برای ایجاد دوباره آن حزب با همان نام، بی ثمر بوده و نیروی تعدادی از هموطنان ما را باز هم با خود خواهد بلعید. ما به خاطر نام مبارزه نمیکنیم، بلکه، به خاطر آرمان مبارزه میکنیم و نباید یک حزب و یا سازمان سیاسی را به رویت اسم وی شناخت باید مرام و اساس آن را مطالعه کرد!

اما تعدادی از این جفا کاران باز هم به این دست آوردهای خونین برای کشور ما بسنده نشدند، با ایجاد سازمانهایی چون: «فراگیر» که نشد، «متحد» که نشد و «واحد» که باز هم نشد دست زدند که تا بتوانند جلو پیشرفت نیروهای مترقی و واقعا چپ را بگیرند.

طوری که در نشرات بیرون مرزی این سازمانها میبینیم، به اشکال گوناگون در تلاش اند تا به شکلی از اشکال مانع وحدت نیروهای واقعا دموکراتیک شوند. در صورتیکه آوازی از کناری به خاطر وحدت نیروهای مترقی و چپ بلند شود، به عجله فراگیر که متحد و واحد هم نشد، داد و فریاد بر می آورد که بیائید ما آماده هستیم . . . .

شما که تحت لوای دولت کرزی و قوای ناتو میرزمید! آیا این است مبارزه برای مردم و وطن؟! شما با آنانی همدست شده اید که دست آنان با خون هزاران انسان بی گناه کشور (کودکان گهواره یی تا ریش سپیدان و سرسپیدان آن دیار) همه را شما نابود کردید، سنگ و کوه آن دیار شما را نفرین میکند. این را به خاطر داشته باشید.

آیا کودتای ۱۹۹۱ که تا به امروز از خیرات سر آن در کشور خون میبارد، برای شما کافی نیست که باز هم دست و آستین را بالا زده و به تحت فرمان امریکا - ناتو دست به کشتار آن مردم بی گناه زده اید؟ آخر بس نیست؟! آیا این محترم آقای فهیم ادا بعد از ۳۰ سال دانست که به کجا سقوط کرده است و یا هنوز هم ندانسته است. هموطن گرامی بیدار شوید! در جایی که شما سقوط کرده اید در آغوش همانهایی قرار دارید که شما را سقوط دادند! **برخیزید که سحرگهان است. شما در آغوش مملو از دالر و کلدار ناتو و آی اس آی سقوط کرده اید! خوشا به حال شما! چون شما همین را میخواستید.**

کجا شد آن سوگند حزبی شما و کجا شد آن عهد و پیمان شما که شماها با حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رهروان چپ بستید؟ آیا این بود آن سوگند وفاداری به حیث یک افسر نظامی و یا کارمند ملکی دفاتر مرکزی حزب؟! آیا این انتقام گرفتن از رهروان حزب قهرمانان و شهیدان کافی نیست؟ آیا برای شما شرم آور نیست که به دامن کرزی و وابسته شان «ناتو» پناه برده اید؟!

اگر به خدا باور دارید شما را به خداوند سوگند میدهم که ندارید، اگر به لنین باور دارید شما را به لنین سوگند میدهم که ندارید، اگر به مارکس باور دارید شما را به مارکس سوگند میدهم که باز هم ندارید و بلاخره اگر به ناتو باور دارید که دارید، شما را به همان دالر و کلدار آنها سوگند میدهم که دارید، بگذارید تا نیروهای واقعا چپ و دموکرات متحد شوند تا تن بیمار و خونین کشور را در آغوش کشیده و از ورطه یی مرگ و نابودی آن را نجات دهند! تشکر

آدرس تماس با من:

[nejrabeyahyai@gmail.com](mailto:nejrabeyahyai@gmail.com)